

# اثر کاهش فقر در آمدی بر توزیع درآمد

بررسی میان کشوری برای دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۷

دکتر محمد حسن فطرس - عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان  
رضا معبودی - کارشناس ارشد علوم اقتصادی

## چکیده

در این چند دهه، پس از عنوان شدن طرح کاهش فقر و نابرابری درآمدی در جهان، چگونگی توزیع درآمد بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و این پرسش پیش آمده است که آیا توزیع درآمد در جهان در دهه گذشته بهبود یافته است یا نه. در این پژوهش به بررسی چگونگی توزیع درآمد و تغییرات فقر درآمدی در کشورهای می‌پزدازیم. بدین منظور، از آمارهای مربوط به درآمد و خط فقر در صد کشور که بر سر هم ۸۹ درصد از جمعیت و ۹۱ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص می‌دهند، بهره‌جسته‌ایم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که: (۱) در این دهه نابرابری درآمدی در سطح جهان افزایش یافته است؛ (۲) در هر گروه از کشورهای که فقر درآمدی افزایش یافته، نابرابری درآمدی نیز بیشتر شده است. یعنی، نوسانهای فقر درآمدی و نابرابری درآمدی همسو بوده است.

## پیشگفتار

اساسی در جامعه سبب شده است تا آثار آن، همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دربرگیرد. در نگاهی کلی، نابرابری می‌تواند بر آموزش، کار، درآمد، سرمایه‌گذاری، شیوه زندگی یا عاداتهای مصرفی و گرایشهای سیاسی شهروندان اثر گذارد، رشد اقتصادی را محدود کند و فقر را گسترش دهد. امروزه، بیشتر کشورهای رو به توسعه با وجود پیروی از الگوهای گوناگون، در زمینه کاهش دادن فقر و نابرابری، ناکام بوده‌اند. سیاستهایی چون تعدیل توزیع درآمد، برنامه‌ها

نابرابری یکی از پدیده‌های اجتماعی است که به لحاظ کار کردها و پیامدهایی که دارد با اثرگذاری بر ساختار جامعه، می‌تواند ثبات و پایداری نظام اجتماعی - اقتصادی را به مخاطره اندازد. پیوند نابرابری با دیگر متغیرهای کلان در جامعه سبب شده که این پدیده از دیدگاههای گوناگون بررسی و ریشه‌های پدید آمدن آن جستجو شود. گستردگی ارتباط نابرابری با متغیرهای

و اقدامات بخش عمومی، طرح‌های کمک‌های اجتماعی و... به سبب ساختارهای ناکارای اقتصادی و نهادی، سودی به گروه‌های کم درآمد نرسانده است. از این رو، نگرانی از فقر و توزیع نادرست درآمد بعنوان بخش‌هایی جدایی‌ناپذیر از روند توسعه در این چند دهه، بالا گرفته است.

بررسیها در زمینه تهیدستی و نابرابری درآمدی نشان می‌دهد که در پیش گرفته شدن سیاست‌های مناسب در راستای کاهش فقر، به بهبود توزیع درآمد می‌انجامد. یکی از این سیاست‌ها، کاستن از فقر درآمدی است. برای کاهش فقر، لازم است به خود تهیدست توجه و سیاست‌های مناسب برای بهبود زندگی او به کار گرفته شود. در این راستا، بر لزوم مرزبندی میان افزایش عمومی درآمد و زمینه‌های کاهش پیوسته فقر، یعنی بهبود بهداشت و درمان، دسترسی منظم به مواد خوراکی، آموزش و پرورش نیروهای بیکار در جامعه، دستیابی به سرپناه بهتر، انگشت گذاشته می‌شود. این سیاست، به دلایل زیر، بر افزایش عمومی درآمد تهیدستان تأکید دارد:

الف- نمی‌توان گفت که درآمد افزایش یافته، همیشه روی کالاها و خدمات ضرور هزینه می‌شود، چه بسا دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی لازم، خانه مناسب یا مراکز آموزش عالی ممکن نباشد. از همین رو، وضع زندگی افراد با درآمد بالاتر نیز ممکن است بهبود نیابد.

ب- بی‌گمان همه شهروندان در مصرف کالاها و خدمات یکسان رفتار نمی‌کنند. چه بسا کسانی کالاهایی برای سبب مصرف خود برگزینند که در سنجش با دیگر کالاهای موجود، رفاه آنان را کاهش دهد.

پ- بیشتر تهیدستان تولید کننده نیستند و به بخشی از جمعیت وابسته‌اند. از همین رو درآمدی مستقیم از آن گونه که در بررسی‌ها درباره توزیع درآمد می‌آید، ندارند. برای نمونه، در گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد در ۱۹۹۳ میان درآمد و کاربردهای بالقوه آن مرزبندی شده است: هدف توسعه، گسترش دامنه گزینه‌های شهروندان است. درآمد یکی از این گزینه‌هاست، ولی دربرگیرنده کل زندگی انسان نیست. در این راستا، سازمان بین‌المللی کار با پیش

کشیدن این نکته که بر خورداری همه مردمان از امنیت اقتصادی باید یک هدف توسعه‌ای و یک حق اقتصادی-اجتماعی به شمار آید، نشان داده است که بسیاری از سیاست‌های قراردادی تحمیل شده بعنوان بخشی از برنامه‌های مبارزه با فقر، در کمک‌رسانی به نیازمندان و اثرگذاری بر زندگی آنان ناکام بوده است. کاهش نابرابری و کاهش ناداری هدف‌هایی یکسان نیستند؛ اما پیوند نزدیک و پیچیده آنها با هم سبب شده است که در دو دهه گذشته، هدف برجسته سیاستگذاران از پرداختن به نابرابری درآمدی، کاستن از ناداری باشد. از این رو، نظریه استانده کاهش نابرابری درآمدی و مبارزه با فقر درآمدی این است که پشتیبانیهای اقتصادی-اجتماعی باید با توجه و تمرکز مستقیم بر چندوچون زندگی تهیدستان انجام شود. اما بررسی داده‌های پژوهشی درباره خانوارها و کارگران کم درآمد در کشورهای روبه

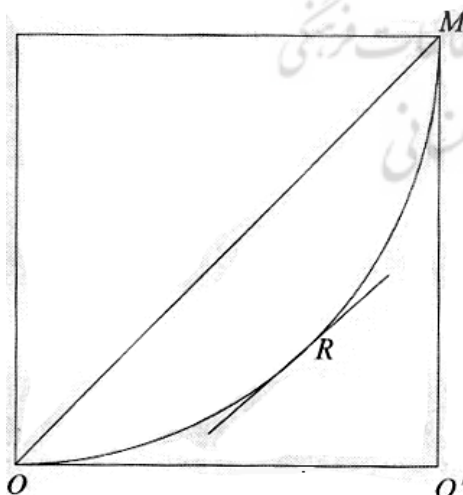
○ نابرابری یکی از پدیده‌های اجتماعی است که به لحاظ کارکردها و پیامدهایی که دارد با اثرگذاری بر ساختار جامعه، می‌تواند ثبات و پایداری نظام اجتماعی-اقتصادی را به مخاطره اندازد. پیوند نابرابری با دیگر متغیرهای کلان در جامعه سبب شده که این پدیده از دیدگاه‌های گوناگون بررسی و ریشه‌های پدید آمدن آن جستجو شود. گستردگی ارتباط نابرابری با متغیرهای اساسی در جامعه سبب شده است تا آثار آن، همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دربرگیرد. در نگاهی کلی، نابرابری می‌تواند بر آموزش، کار، درآمد، سرمایه‌گذاری، شیوه زندگی یا عاداتهای مصرفی و گرایشهای سیاسی شهروندان اثر گذارد، رشد اقتصادی را محدود کند و فقر را گسترش دهد.

بیشتر شده است. بر پایه یافته‌ها، بیشتر تهیدستان در کشورهای فقیر زندگی نمی‌کنند. بررسی‌های انجام شده در آمریکای لاتین، آسیا و اروپا گویای این نکته است. نابرابری می‌تواند بر سیاست‌های در پیش گرفته شده اثر گذارد و نقش آنها را در جامعه کم‌رنگ کند. به هر رو چه نابرابری بازتابی از مالکیت خصوصی (Marx, 1952) باشد، چه زائیده تفاوت‌های شهروندان از دیدگاه موقع و جایگاه اجتماعی (Parreto, 1963) و چه مایه گرفته از ساختن یا بی‌نظمی توزیع دارایی و قدرت در جامعه (آنتونی گیدنز)، پدیده‌ای منفی شمرده می‌شود و همه دولت‌ها را بر آن می‌دارد تا توان خود را هر چه بیشتر به کار گیرند و تا جایی که امکانات جامعه اجازه می‌دهد، از نابرابری بکاهند.

از بررسی‌های انجام شده درباره نابرابری در آمدی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کوزنتس در ۱۹۵۵ پیوند نابرابری در آمدی با رشد اقتصادی را بررسی کرد که با عنوان «فرضیه U معکوس» در متون اقتصادی شناخته می‌شود. بر پایه این فرضیه، نابرابری در آمدی در نخستین گام‌های رشد بیشتر می‌شود و با افزایش میزان رشد، نابرابری رو به کاهش می‌گذارد (Kuznets).

### نمودار (۱) - منحنی لورنز

درصد تجمعی در آمد



درصد تجمعی جمعیت

توسعه، گویای آن است که بواقع، احتمال اینکه تهیدستان این مزایا را دریافت کنند، در سنجش با گروه‌های دارا بسیار کم است.

در این نوشتار، دو موضوع زیر در دو دهه بررسی شده است:

- الف) اندازه نابرابری در توزیع در آمد کشورها
  - ب) کار آمدی سیاست‌های در پیش گرفته شده در این کشورها برای کاستن از فقر در آمدی.
- این پژوهش، چهار بخش دارد: ۱) گذری بر مبانی نظری پژوهش؛ ۲) معرفی داده‌ها؛ ۳) ارزیابی دو شاخص «ضریب جینی» و «نابرابری در آمد تهیدستان» برای گروه‌های مورد نظر و تفسیر نتایج به دست آمده؛ ۴) نتیجه‌گیری.

### ۱- مبانی نظری

نابرابری، نخست در معیارهای زندگی بازتاب می‌یابد که در جای خود با مفهوم فرصت‌های زندگی پیوند دارد. فرصت‌های زندگی به معنای احتمال دسترسی هر شهروند به سهم‌های توزیع شده کالاهای اقتصادی در جامعه است. بنابراین نابرابری بازتابی از دسترسی متفاوت افراد و گروه‌های گوناگون جامعه به منابع اقتصادی است. اما فرصت‌های زندگی چگونه می‌تواند بر نابرابری اثر بگذارد؟ در پاسخ باید گفت که نابرابری در زمینه فرصت‌های زندگی به معنای توزیع تفاوتی و تفاضلی امکانات و فرصت‌هایی مانند بهداشت، خوراک مناسب، آموزش، دسترسی به خدمات و... و در نتیجه توزیع تفاوتی دستیابی به کار و در آمد است. بنابراین از یک سو، تفاوت میان شهروندان از دیدگاه شایستگی‌ها و توانایی‌ها در ایفای نقش‌های اجتماعی-اقتصادی و از سوی دیگر، کمیابی منابع از عواملی است که مایه پیدایش تفاوت در وضع و جایگاه اقتصادی شهروندان می‌شود. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که همواره شکاف اقتصادی میان لایه‌های دارا و ندار در جامعه و تفاوت در سطح زندگی آنها وجود داشته است و گرچه اکنون این شکاف در سنجش با گذشته کاهش یافته، اما واقعیات نشان می‌دهد که امروز این اختلاف در سطح زندگی شهروندان بسی

۱۹۹۰ نابرابری در آمد و فقر در آن کشور روند کاهشی داشته است (Daly, Valletta, 2000). کالبرایت و کام با به کار گرفتن شاخص جینی دریافتند که در دهه گذشته، توزیع در آمد جهانی از ثبات نسبی برخوردار بوده است (Galbraith, Kum, 2000). مورینگوچی و ساتز در ۲۰۰۷ با بررسی توزیع در آمد در برخی کشورها، به ارزیابی نابرابری در زمینه توزیع در آمد در آنها پرداختند. لو و ژو در ۲۰۰۸ با بهره گیری از داده های موجود برای سالهای ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۴ توزیع در آمد در چین را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در دهه گذشته نابرابری در آمدی در چین افزایش چشمگیر داشته است (Xubei Luo and Nong Zhu, 2008).

برای اندازه گیری نابرابری و بررسی دگرگونیهای توزیع در آمد در کشورها از دو شاخص «ضریب جینی» و «نابرابری در آمد» میان تهیدستان بهره می گیریم. سادگی بر آورد و تفسیر این دو شاخص باعث شده است که درباره مسائل مربوط به ناداری و نابرابری در آمدی، کاربرد بیشتری داشته باشند.

#### ۱-۱- ضریب جینی

ضریب جینی یکی از پر کاربردترین شاخصها برای بر آورد نابرابری است که یکسره از منحنی لورنز گرفته می شود. از همین رو، نخست به منحنی لورنز و سپس به روش اندازه گیری ضریب جینی می پردازیم. مهمترین نموداری که برای بیان نابرابری به کار می رود و کاربردهای دیگری نیز دارد، منحنی لورنز (Loranz curve) است. برای کشیدن منحنی لورنز روی محور طولها، درصد انباشته شمار افراد جامعه و روی محور عرضها، درصد انباشته در آمد در نظر گرفته می شود. بر سر هم اگر  $\eta$  در آمد و  $\mu$  میانگین در آمد باشد، در یک توزیع به حجم  $n$  می توان با بهره گیری از رابطه زیر منحنی لورنز را تعریف کرد:

$$(1) \quad \eta = \frac{1}{n\mu} \sum_{i=1}^n \eta_i$$

همان گونه که در نمودار (۱) دیده می شود، از ترسیم رابطه بالا منحنی لورنز به دست می آید که تحدب آن

(1955). از آن پس، بررسیهای نظری و تجربی بسیار درباره این فرضیه انجام گرفته است. در ۱۹۷۳ آدلمن و موریس، در ۱۹۷۶ آهلاوالیا، تیلور و باچا همگی بر پایه یافته های تجربی خود، به پشتیبانی از نظریه کوزنتس پرداختند؛ اما، چنری و گوستاو پاپانک با مطرح کردن نظریه باز توزیع در آمد، نظریه کوزنتس را به چالش کشیدند. کسان دیگری مانند کلاین و فیلدز نیز با بررسی توزیع در آمد در برخی کشورها استدلال کردند که در نخستین گامهای توسعه اقتصادی لازم نیست که یک رابطه مبادله میان نابرابری و سطح توسعه وجود داشته باشد. سن در بررسیهای خود پیرامون توزیع در آمد در کشورها نشان می دهد که از دید تئوریک مشخص نیست که فرضیه کوزنتس همیشه برقرار باشد (Sen, 1995). وایت در سال ۲۰۰۰ با بررسی پیوند میان نابرابری در آمد و رشد اقتصادی نتیجه گرفت که افزایش نابرابری به کاهش رشد اقتصادی می انجامد (Wite, 2000). اتکینسون پس از بررسی نابرابری در توزیع در آمد کشورها نشان داد که رابطه توسعه و نابرابری، همواره به شکل منحنی U معکوس کوزنتس نیست (Atkinson, A. B, 2001).

رودریک در ۲۰۰۵ برای تعیین نرخ رشد مناسب اقتصادی و چگونگی دستیابی به آن، توزیع در آمد در کشورها را بررسی کرد (Rodrik, 2005).

ساجس و ایسترلی با توجه به توزیع در آمد جهانی، به بررسی وضع اقتصادی و سطح زندگی در تهیدست ترین کشورهای جهان پرداختند (Sachs 2005) (Easterly 2006). برور، گودمن، شاو و شفارد دگرگونیهای فقر و نابرابری در آمدی را در سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ در بریتانیا بررسی کردند و دریافتند که در این دوره، نابرابری در آمدی و فقر در میان خانوارهای انگلیسی افزایش یافته است (Brewer, Goodman, Shaw and Shephard, 2005) دیلی و والتا با بهره گیری از آمارهای بودجه خانوار، فقر و نابرابری در آمدی را برای دوره ۱۹۹۸-۱۹۶۹ در ایالات متحده بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که از ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۹ فقر و نابرابری در آمدی در آمریکا افزایش یافته، در دهه

به سوی نقطه  $o'$  است.

نقطه  $o'$  نشان دهنده نابرابری کامل و وتر OM نشان دهنده برابری کامل در توزیع است. از همین رو، اگر منحنی لورنز با قطر OM مماس گردد، بیانگر برابری کامل و هر چه از قطر OM دورتر شود بیانگر نابرابری بیشتر در توزیع خواهد بود. در زمینه توزیع درآمد، قطر OM گویای آن است که همه شهروندان دارای درآمد یکسان و برابرند. و از همین رو گاهی قطر OM خط برابری کامل نیز خوانده می شود. و نقطه  $o'$  نشان می دهد که کل درآمد جامعه در دست يك تن است.

از دیدگاه هندسی، می توان از بخش کردن مساحت ORM به مساحت مثلث  $OO'M$  مقدار ضریب جینی را به دست آورد. صورت کسر بیانگر مساحت میان منحنی لورنز و خط  $45^\circ$  درجه و مخرج کسر نیز نشان دهنده کل مساحت زیر خط  $45^\circ$  درجه است. مقدار شاخص جینی میان صفر و يك قرار دارد که «صفر» برابری کامل و «يك» نابرابری کامل را نشان می دهد.

در بررسی توزیع درآمد برای برآورد شاخص جینی می توان از رابطه زیر بهره گرفت:

$$G = \frac{1}{2n\bar{Y}(n-1)} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |Y_i - Y_j|$$

که در آن  $Y_i, Y_j$  يك زوج درآمدی در توزیع درآمد،  $Y$  درآمد میانگین و  $n$  حجم توزیع را نشان می دهد.

### ۲-۱ شاخص نابرابری درآمد در میان تهیدستان

این شاخص به صورت میانگین موزون مجذور نسبت مابه التفاوت میانگین درآمد هر گروه زیر خط فقر از درآمد خط فقر تعریف می شود. به ترتیب اگر  $k$  شماره کشور های هر گروه که زیر خط فقر قرار دارند،  $\Psi$  شمار کل کشورهایی که در زیر خط فقر قرار دارند  $Y_k$  میانگین درآمد هر گروه زیر خط فقر و بالاخره  $Z$  خط فقر را نشان دهد، از لحاظ جبری می توان این شاخص را به گونه زیر تعریف کرد:

$$P = \sum_{k=1}^m \frac{\Psi_k}{\Psi} \left( \frac{Z - Y_k}{Z} \right)$$

شاخص نابرابری درآمد میان تهیدستان، دواصل مهم یکنوایی و انتقال سازگار است. اصل یکنوایی گویای آن است که کاهش درآمد کسی که در زیر خط فقر قرار دارد باعث افزایش فقر خواهد شد. بر پایه اصل انتقال، انتقال درآمد از کسی که زیر خط فقر است به کسی که وضع بهتری در سنجش با او دارد، موجب افزایش فقر خواهد شد. اصل یکنوایی سبب می شود که شاخص نابرابری درآمد میان تهیدستان، رابطه ای يك به يك و معکوس میان اندازه فقر و درآمد آنان برقرار کند. اصل انتقال نیز ناظر بر توزیع درآمد میان تهیدستان است. بر سر هم، شاخص نابرابری درآمد در میان تهیدستان، به ژرفا و شدت فقر اهمیت ویژه می دهد، چنان که هر دگرگونی در آن، بیانگر دگرگونی وضع رفاهی نادرترین آنهاست. کاهش مقدار این شاخص در يك دوره، گویای بهبود یافتن وضع رفاهی تهیدستان است.

## ۲- داده های آماری

برای برآورد نابرابری و دگرگونیهای فقر در آمدی، از داده های آماری مربوط به توزیع درآمد و سطح فقر در آمدی صد کشور در مناطق گوناگون جهان بهره گرفته ایم. این کشورها ۸۹ درصد از جمعیت و ۹۱ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص می دهند. بدین منظور، از اطلاعات مربوط به سری های زمانی درآمد ناخالص داخلی کشورها برای دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۰ که «مرکز اطلاعات و آمار سازمان ملل» به دست داده است بهره گرفته ایم. همچنین برای بررسی دگرگونیها در زمینه توزیع درآمد، آمار سری زمانی درآمد جهان و قاره ها، گردآوری شده از سوی سازمان جهانی بازرگانی، را به کار گرفته ایم. برای برآورد فقر و شاخص نابرابری درآمدی میان فقرا، دشواریهایی وجود داشت که یکی از بزرگترین آنها، در دسترس نبودن اطلاعات لازم در زمینه خط فقر در سالهای مورد نظر بود. از این رو برای بررسی دگرگونیهای فقر در آمدی و برآورد شاخص نابرابری درآمد در میان تهیدستان، این شاخص برای سالهایی که خط فقر محاسبه شده بود، یعنی هر پنج سال یکبار،

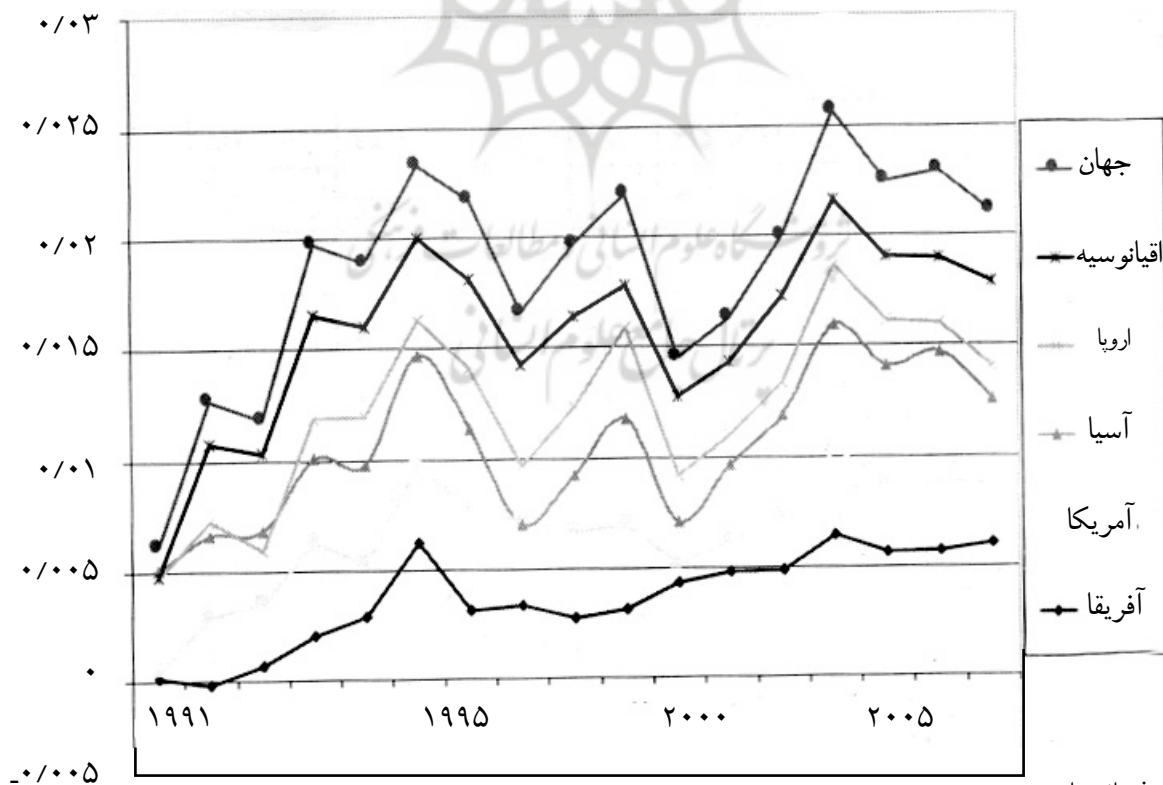


○ بررسیها در زمینه تهیدستی و نابرابری درآمدی نشان می‌دهد که در پیش گرفته شدن سیاستهای مناسب در راستای کاهش فقر، به بهبود توزیع درآمد می‌انجامد. یکی از این سیاستها، کاستن از فقر درآمدی است. برای کاهش فقر، لازم است به خود تهیدست توجه و سیاستهای مناسب برای بهبود زندگی او به کار گرفته شود. در این راستا، بر لزوم مرزبندی میان افزایش عمومی درآمد و زمینه‌های کاهش پیوسته فقر، یعنی بهبود بهداشت و درمان، دسترسی منظم به مواد خوراکی، آموزش و پرورش نیروهای بیکار در جامعه، دستیابی به سرپناه بهتر، انگشت گذاشته می‌شود.

بر آورد شد. برای بررسی دگرگونی توزیع درآمد در کشورهای امکان سنجش آنها با یکدیگر، کشورها به پنج گروه زیر بخش بندی شدند: کشورهای توسعه یافته؛ منتخبی از کشورهای آسیایی؛ منتخبی از کشورهای آمریکای لاتین؛ منتخبی از کشورهای افریقایی؛ منتخبی از کشورهای اروپایی. نمودار (۲) نرخ رشد درآمد در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷ برای کشورهای گوناگون به تفکیک قاره‌ها را نشان می‌دهد: در نمودار (۲) درصد دگرگونیهای توزیع درآمد در جهان و قاره‌ها برای دوره مورد بررسی نشان داده شده است. توزیع درآمد در همه این گروهها، روندی صعودی داشته است.

در ادامه، با بهره‌گیری از داده‌های موجود، نخست نابرابری درآمدی در سطح جهان بررسی می‌شود. سپس، برای ارزیابی سیاستهای در پیش گرفته شده در راستای کاهش نابرابری، فقر درآمدی در کشورها را در دو دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۹ و ۲۰۰۰-۲۰۰۷ بررسی می‌کنیم.

نمودار (۲) - درصد دگرگونیهای درآمدی در سطح جهان و قاره‌ها در دو دهه گذشته



مأخذ: یافته‌های پژوهش

جمعیت جهان را تهدیدستان تشکیل می دهند. بسیاری از مردمان با درآمد سرانه ای کمتر از يك دلار در روز، در فقر مطلق در آمدی به سر می برند. در کشورهای فقیر هنوز شهروندان با دشواریهایی چون دسترسی نداشتن به خوراک کافی، سرپناه مناسب، بهداشت، آموزش و... روبه رویند. وجود این دشواریها، عاملی بازدارنده در راه رشد و توسعه کشورهای تهدیدست و سرانجام همه جهان خواهد بود. از این رو در این چند دهه و پس از عنوان شدن طرح کاهش فقر در جهان، چگونگی توزیع درآمد، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و این پرسش مطرح شده است که آیا توزیع درآمد در جهان در دهه گذشته بهبود یافته است یا نه.

همان گونه که در نمودار (۲) دیده می شود، در آمد جهان در سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱، کمابیش روندی فزاینده داشته است. میانگین نرخ افزایش درآمد در جهان در سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۰ برابر با ۲/۹۷ درصد و در دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۰ برابر با ۲/۷۷ درصد بوده است که نشان می دهد در این دهه، درآمد در جهان رشد کمتری داشته است. اما مثبت بودن نرخ رشد سبب شده که درآمد روند افزایشی خود را حفظ کند.

شاخص جینی برای دوره ۱۹۹۹-۱۹۹۰ برابر با ۰/۳۷ و برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۰ برابر با ۰/۳۹ بوده است. افزایش پنج درصدی در این شاخص، گویای آن است که در دهه اخیر، نابرابری درآمدی در سطح جهان افزایش یافته است (نمودار ۳).

۲-۳- توزیع درآمد در کشورهای و برآورد ضریب

#### جینی

در این بخش برای هر کشور، مقدار نابرابری درآمدی را با بهره گیری از ضریب جینی برآورد می کنیم. چنان که در جدول (۱) نشان داده شده است، برای برآورد نابرابری درآمدی، دو دوره زمانی ۱۹۹۹-۱۹۹۰ و ۲۰۰۷-۲۰۰۰ در نظر گرفته شده که امکان سنجش کشورها با یکدیگر را در دو دوره فراهم می کند.

برآورد ضریب جینی در دو دوره ۱۹۹۹-۱۹۹۰ و ۲۰۰۷-۲۰۰۰ امکان سنجش دگرگونیها در زمینه

○ سازمان بین المللی کار با پیش کشیدن این نکته که بر خورداری همه مردمان از امنیت اقتصادی باید يك هدف توسعه ای و يك حق اقتصادی-اجتماعی به شمار آید، نشان داده است که بسیاری از سیاستهای قراردادی تحمیل شده بعنوان بخشی از برنامه های مبارزه با فقر، در کمک رسانی به نیازمندان و اثر گذاری بر زندگی آنان ناکام بوده است. کاهش نابرابری و کاهش ناداری هدفهایی یکسان نیستند؛ اما پیوند نزدیک و پیچیده آنها با هم سبب شده است که در دو دهه گذشته، هدف برجسته سیاستگذاران از پرداختن به نابرابری درآمدی، کاستن از ناداری باشد.

### ۳- برآورد شاخص جینی و شاخص نابرابری درآمد

#### میان تهدیدستان در کشورها

در این بخش، به تحلیل نتایج به دست آمده از محاسبه شاخص جینی و شاخص نابرابری درآمد میان تهدیدستان می پردازیم. نخست، توزیع درآمد در جهان را از نظر نابرابری در دو دوره زمانی ۱۹۹۹-۱۹۹۰ و ۲۰۰۷-۲۰۰۰ بررسی می کنیم؛ سپس با بهره گیری از شاخص جینی و نابرابری درآمد میان تهدیدستان، توزیع درآمد را در کشورهای مورد نظر بر پایه گروههای در نظر گرفته شده، با یکدیگر می سنجیم.

#### ۱-۳- بررسی توزیع درآمد در جهان

عواملی مانند ناهمسانی رشد جمعیت در کشورهای فقیر و کشورهای توسعه یافته و همچنین پیدایش تله بدهی در کشورهای رو به توسعه و دگرگونیهای تکنولوژیک در کشورهای پیشرفته، سبب شده است که در بیست سال گذشته توزیع درآمد در جهان به سوی نابرابری بیشتر گام بردارد. امروزه بیش از يك چهارم

## جدول (۱) - برآورد ضریب جینی برای کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰

پ - کشورهای منتخب در آسیا			الف - کشورهای توسعه یافته		
			شاخص جینی ۲۰۰۰-۲۰۰۷	شاخص جینی ۱۹۹۰-۱۹۹۹	
۰/۴۴	۰/۴۳	ارمنستان			
۰/۳۶	۰/۳۲	اندونزی			
۰/۴۱	۰/۴۴۷	ایران	۰/۲۶۱	۰/۲۴۷	اتریش
۰/۴۲	۰/۳۹	آذربایجان	۰/۲۹۵	۰/۲۸۵	بلژیک
۰/۳۲۵	۰/۳۲۴	بنگلادش	۰/۳۲۲	۰/۳۲	کانادا
۰/۳۱	۰/۳۹	پاکستان	۰/۳۲	۰/۳۵	دانمارک
۰/۳۲۸	۰/۳۱	تاجیکستان	۰/۲۶	۰/۲۲	فنلاند
۰/۴۳	۰/۵۱	تایلند	۰/۲۸۵	۰/۲۹	فرانسه
۰/۳۳	۰/۳	تایوان	۰/۲۸۹	۰/۲۷	آلمان
۰/۳۹۶	۰/۲۹	چین	۰/۲۹	۰/۳	هلند
۰/۴۴	۰/۴۳۲	سنگاپور	۰/۳۴	۰/۳۷	ایتالیا
۰/۴۷	۰/۵۱	نیپال	۰/۲۷	۰/۳۲	ژاپن
۰/۴۰۱	۰/۳۹	سريلانكا	۰/۲۹۶	۰/۲۹	نروژ
۰/۴۶	۰/۴۵	عراق	۰/۲۵	۰/۲۵۱	سوئد
۰/۳۱	۰/۳۹	فیلیپین	۰/۳۸	۰/۳۳	انگلستان
۰/۳۶۲	۰/۳۷	قزاقستان	۰/۴۴	۰/۴۱	آمریکا
۰/۳۲	۰/۳۹	کره جنوبی			
۰/۴۶۱	۰/۴۶	مالزی			
۰/۳۵	۰/۳۲	مغولستان	۰/۳۲۳	۰/۳۳	بلغارستان
۰/۳۵۱	۰/۳۶۱	ویتنام	۰/۳۴	۰/۳۵	یونان
۰/۳۶	۰/۳۲۹	هند	۰/۳۱۸	۰/۳۳	ایرلند
۰/۴۵	۰/۴۷	هنگ کنگ	۰/۳۵	۰/۲۹	لهستان
۰/۳۶	۰/۳۱	یمن	۰/۳۷۸	۰/۳۶۱	پرتغال
			۰/۳۳	۰/۲۸	رومانی
			۰/۲۵۴	۰/۲۱۲	اسلواکی
			۰/۲۵	۰/۲۴	اسلونی
			۰/۳۲	۰/۳۱	اسپانیا
			۰/۳۲۳	۰/۳۱	مقدونیه
			۰/۴۵	۰/۴۲	روسیه
			۰/۳۹	۰/۴۱	مولداوی
			۰/۳۵۱	۰/۳۵	لتونی
			۰/۲۶۸	۰/۲۷۱	لوکزامبورگ
			۰/۲۸	۰/۳	مالت
			۰/۲۸	۰/۲۶	قبرس
ت - کشورهای منتخب در آمریکای لاتین					
۰/۵۱۲	۰/۵۷۲	آرژانتین			
۰/۵	۰/۵۴۶	باهاما			
۰/۵۷۶	۰/۵۴	بولیوی			
۰/۵۸	۰/۵۹۹	برزیل			
۰/۵۴۸	۰/۵۴	شیلی			
۰/۵۶۷	۰/۵۴	کلمبیا			
۰/۴۸۶	۰/۴۶	کاستاریکا			
۰/۳۹	۰/۳۸۴	کوبا			
۰/۵۶	۰/۵۲	اکوادور			



نابرابری را چه در سطح کشورهای و چه در سطح گروه‌های مورد نظر فراهم می‌آورد. همان‌گونه که در نمودار (۳) نشان داده شده است، در دهه گذشته آمریکای لاتین و آفریقا بالاترین مقدار نابرابری در آمدی را داشته‌اند. تنها تفاوت آمریکای لاتین و آفریقا در این است که در دهه گذشته آمریکای لاتین همچنان در راه افزایش نابرابری در آمدی گام برداشته، اما آفریقا به مقداری اندک نابرابری در آمدی را کاهش داده است. پس از این دو قاره، در زمینه نابرابری در آمدی، آسیا و اروپا در رده‌های سوم و چهارم جای دارند. بررسی توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته و برآورد ضریب جینی برای این گروه، دو نکته را روشن می‌کند: نخست اینکه کشورهای توسعه یافته کمترین مقدار نابرابری در آمدی را دارند؛ دوم اینکه در دهه گذشته نابرابری در آمدی در این گروه کاهش یافته است.

در زیر، نابرابری در آمدی و دیگر گونیه‌ها در زمینه فقر در آمدی برای هر گروه بررسی می‌شود.

#### توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته

بررسی توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که در دهه گذشته میانگین درآمد این کشورها ۲۴ درصد در سنجش با دهه پیش از آن افزایش یافته است. بیشترین افزایش درآمد در این گروه را استرالیا با ۳۷ درصد، کانادا ۳۴ درصد و فنلاند ۳۳ درصد داشته‌اند.

برآورد شاخص جینی برای این گروه نشان می‌دهد که نابرابری در آمدی در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۹ برابر با ۰/۳۰۴ و در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ برابر با ۰/۳۰۳ بوده است. به سخن دیگر، نابرابری در آمدی در این گروه در دهه گذشته ۰/۳۳ درصد کاهش یافته است، ولی کاهش نابرابری در توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته چندان نمود ندارد و علت، افزایش نابرابری در آمدی در برخی از این کشورها چون آمریکا، بریتانیا، آلمان، کانادا و نروژ بوده است. بویژه دیگر گونیه‌های شاخص جینی نشان می‌دهد که در این گروه، بریتانیا و آمریکا بیشترین افزایش نابرابری را داشته‌اند.

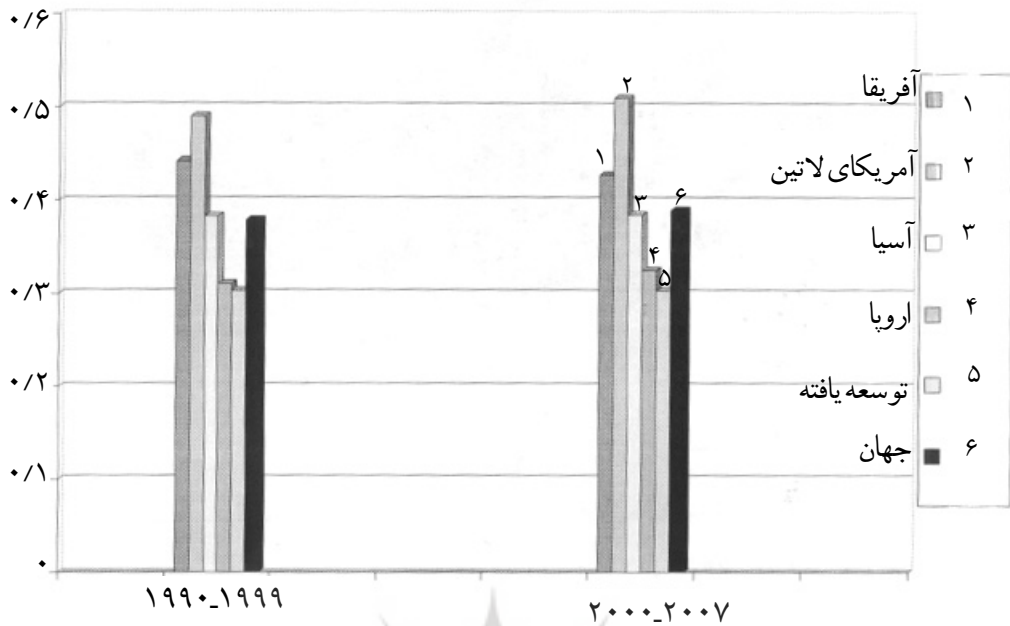
گواتمالا	۰/۴۹	۰/۵۲
جامائیکا	۰/۴۹	۰/۴۷۳
مکزیک	۰/۵۰۱۲	۰/۵۱
پرو	۰/۴۷	۰/۵
ونزوئلا	۰/۴۵	۰/۴۶۴
اوروگوئه	۰/۴۳۳	۰/۴۵
نیکاراگوئه	۰/۵۴	۰/۴۵۶
پاناما	۰/۵۵	۰/۵۶
پاراگوئه	۰/۵۴	۰/۵۷
ترینیداد	۰/۴۶۷	۰/۴۱
السالدور	۰/۴۹	۰/۵۳
هندوراس	۰/۵۴۳	۰/۵۵۶

#### ث - کشورهای منتخب در آفریقا

سیرالئون	۰/۵۵	۰/۶
بورکینافاسو	۰/۴۹۸	۰/۳۹۸
مصر	۰/۳۷	۰/۳۵۶
غنا	۰/۴۱	۰/۴
کنیا	۰/۴۸	۰/۴۷
اوگاندا	۰/۴۳	۰/۴۸
زامبیا	۰/۴۹	۰/۵۱
اتیوپی	۰/۳۹	۰/۳۱
سنگال	۰/۵۱	۰/۴۱۲
گینه	۰/۵	۰/۴۵
ماداگاسکار	۰/۴۸۲	۰/۴۷۱
مالاوی	۰/۵	۰/۳۹
مالی	۰/۵۴	۰/۴۱
موریتانی	۰/۴۱	۰/۳۹
موریتوس	۰/۳۸	۰/۳۷
رواندا	۰/۳۱	۰/۴۲۶
تانزانیا	۰/۳۶	۰/۳۷
نیجریه	۰/۵۲	۰/۴۴
تونس	۰/۴۰۵	۰/۴۲
نامیبیا	۰/۶۵	۰/۷
مراکش	۰/۳۷	۰/۳۹
کامرون	۰/۵	۰/۴۴
زیمبابوه	۰/۵	۰/۴۷
گامبیا	۰/۵۱	۰/۵
موزامبیک	۰/۴	۰/۴۷

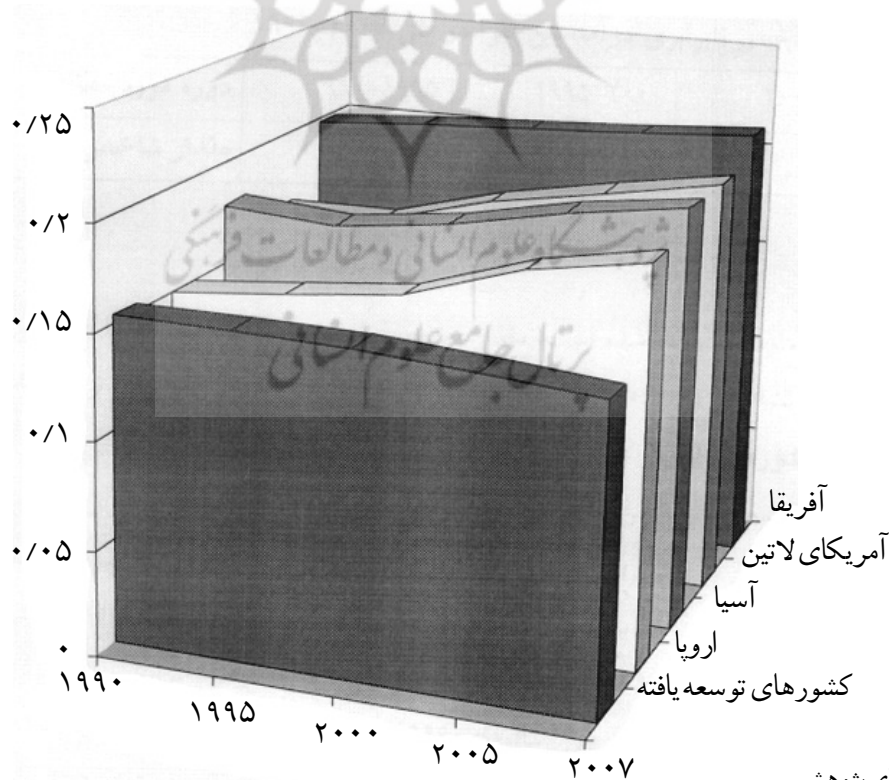
مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار (۳) - دگرگونی نابرابری در آمدی در کشورها در دو دهه گذشته



مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار (۴) - شاخص نابرابری در آمد در میان نهیستان در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷



مأخذ: یافته‌های پژوهش

است. گذشته از سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۷ و ۲۰۰۲-۲۰۰۱ که نرخ رشد در آمد آشکار پایین آمده، در دیگر سالها نرخ رشد در آمد پیوسته افزایش داشته است. میانگین نرخ رشد در آمد در سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۰ برابر با ۰/۳۰ درصد و در سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۰ برابر با ۰/۳۵ درصد بوده است. بدین سان، در دوره دوم، میانگین نرخ رشد در آمد در آسیا ۱۳ درصد بالا رفته است. در نمودار (۲) دگرگونی نرخ رشد در آمد برای این گروه در بیست سال نشان داده شده است. در این دوره بیشترین نرخ رشد در آمد مربوط به آسیای مرکزی بوده است.

در سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۰ مقدار ضریب جینی در آسیا برابر با ۰/۳۸۳۶ و در سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۰ برابر با ۰/۳۸۴۰ بوده و بدین سان نابرابری در آمدها در دوره دوم ۰/۰۱ افزایش یافته و بیشترین افزایش در این دسته از کشورها مربوط به چین بوده است.

بررسیهای لیو و ژو در ۲۰۰۸ درباره چندوچون توزیع در آمد در چین و دیگر کشورها، یافته‌های این پژوهش را در مورد افزایش نابرابری در آمدی در چین تأیید می کند (Xubei Luo and Nong Zhu, 2008). بر سر هم در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ فقر در آمدی در میان گروههای کم در آمد در کشورهای آسیایی افزایش یافته است.

همان گونه که در جدول (۳) می بینیم، مقدار شاخص نابرابری در آمد در میان تهیدستان بالا رفته و وضع در آمدی آنان در آسیا بدتر شده است.

### توزیع در آمد در کشورهای اروپایی

بررسی توزیع در آمد در کشورهای اروپایی نشان می دهد که در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ در آمد به گونه نامنظم ولی مثبت رو به افزایش بوده است (نمودار ۲). میانگین نرخ رشد در آمد در این دسته از کشورها در سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۰ برابر با ۰/۱۴ و در سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۰ برابر با ۰/۲۰ بوده است. بدین سان در دوره دوم، میانگین نرخ رشد در آمد در این گروه ۰/۴۲ درصد بالا رفته است.

○ عواملی مانند ناهمسانی رشد جمعیت در کشورهای فقیر و کشورهای توسعه یافته و همچنین پیدایش تله بدهی در کشورهای رو به توسعه و دگرگونیهای تکنولوژیک در کشورهای پیشرفته، سبب شده است که در بیست سال گذشته توزیع در آمد در جهان به سوی نابرابری بیشتر گام بردارد. امروزه بیش از یک چهارم جمعیت جهان را تهیدستان تشکیل می دهند. بسیاری از مردمان با در آمد سرانه ای کمتر از یک دلار در روز، در فقر مطلق در آمدی به سر می برند. در کشورهای فقیر هنوز شهروندان با دشواریهایی چون دسترسی نداشتن به خوراک کافی، سرپناه مناسب، بهداشت، آموزش و... روبه رویند. وجود این دشواریها، عاملی بازدارنده در راه رشد و توسعه کشورهای تهیدست و سرانجام همه جهان خواهد بود.

بررسی شاخص نابرابری در آمد در میان تهیدستان در این گروه از کشورها نشان می دهد که در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ فقر در آمدی کاهش یافته است. همان گونه که در جدول (۲) آمده، مقدار شاخص نابرابری در آمد در میان تهیدستان کمتر شده است. این نکته در نمودار (۴) نیز به چشم می خورد. دگرگونیهای این شاخص نشان می دهد که در سالهای یادشده، وضع در آمدی تهیدستان در این گروه از کشورها بهتر شده است.

### توزیع در آمد در آسیا

بررسیها نشان می دهد که در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰، در آمد در کشورهای آسیایی دستخوش دگرگونی بوده

بدان معناست که کارکرد دولتهای افریقایی در زمینه کاهش فقر در آمدی در دوره یاد شده، بسیار بد بوده است.

### نابرابری درآمدها در کشورهای آمریکای لاتین

در آمد در این گروه از کشورهای سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ رو به افزایش بوده است. میانگین تغییر نرخ رشد در آمد در دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۹ برابر با ۰/۰۳۳ و در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۷ برابر ۰/۰۳۱ بوده و بدین سان میانگین نرخ رشد در آمد در دوره دوم تا ۶/۴ درصد کاهش یافته است.

بر آورد شاخص جینی نشان می دهد که مقدار این ضریب در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۹ برابر با ۰/۴۹ و در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ برابر با ۰/۵۱ بوده و نابرابری در آمدی در دهه دوم ۴ درصد بیشتر شده است. با سنجش گروههای مورد بررسی در می یابیم که کشورهای آمریکای لاتین بالاترین نابرابری در آمدی را داشته اند (نمودار ۳).

شاخص نابرابری در آمدی در میان تهیدستان در این کشورها گویای آن است که در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ مقدار این شاخص پیوسته افزایش یافته است (جدول ۶). بر پایه یافته های پژوهش، در این گروه از کشورها،

بر پایه بر آورد ضریب جینی، در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۹ مقدار این شاخص برابر با ۰/۳۱۱ و در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ برابر با ۰/۳۲۵ بوده و بدین سان در دوره دوم، نابرابری در آمد ۰/۰۴۰۵ درصد بیشتر شده است.

بر آورد شاخص نابرابری در آمد در میان تهیدستان نشان می دهد که در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷ مقدار این شاخص افزایش یافته است (جدول ۴).

هر چند در این دهه، مقدار افزایش شاخص نابرابری در آمد در میان تهیدستان، بسیار کمتر از دو دهه پیش از آن بوده، اما روند افزایش آن نشان می دهد که در کشورهای اروپایی، وضع در آمدی گروههای تهیدست در بیست سال گذشته بدتر شده است.

### نابرابری درآمدها در کشورهای افریقایی

بررسی توزیع در آمد در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ در کشورهای افریقایی نشان می دهد که نرخ رشد در آمد جز در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۱ که منفی بوده، در دیگر سالها روندی صعودی داشته است (نمودار ۲). میانگین نرخ رشد در آمد در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۹ برابر با ۰/۰۲۳ و در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ برابر با ۰/۰۰۵ بوده و بدین سان در دوره دوم افزایش یافته است.

بر پایه بر آورد ضریب جینی در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۹، مقدار نابرابری درآمدها ۰/۴۴۲ و در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷، ۰/۴۲۷ بوده که ۰/۰۳۵ کاهش یافته است (نمودار ۳). دیده می شود که برخلاف روند گذشته، توزیع در آمد در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ اندکی عادلانه تر شده، هر چند در دهه گذشته، کشورهای افریقایی پس از کشورهای آمریکای لاتین بالاترین نرخ نابرابری درآمدها را داشته اند.

شاخص نابرابری در آمد در میان تهیدستان این گروه از کشورها گویای آن است که در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ نابرابری درآمدها در میان تهیدستان افزایش یافته است (جدول ۵).

با بررسی فقر در آمدی در این گروه در می یابیم که در دو دهه گذشته، وضع در آمدی تهیدستان بدتر شده و این

○ در دهه گذشته آمریکای لاتین و آفریقا بالاترین مقدار نابرابری در آمدی را داشته اند. تنها تفاوت آمریکای لاتین و آفریقا در این است که در دهه گذشته آمریکای لاتین همچنان در راه افزایش نابرابری در آمدی گام برداشته، اما آفریقا به مقداری اندک نابرابری در آمدی را کاهش داده است. پس از این دو قاره، در زمینه نابرابری در آمدی، آسیا و اروپا در رده های سوم و چهارم جای دارند.

وضع درآمدی تهیدستان در سنجش با دهه پیش از آن بدتر شده است.

○ کشورهای آمریکای لاتین بالاترین نابرابری درآمدی را داشته‌اند. شاخص نابرابری درآمدی در میان تهیدستان در این کشورها گویای آن است که در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۰ مقدار این شاخص پیوسته افزایش یافته است. بر پایه یافته‌های پژوهش، در این گروه از کشورها، وضع درآمدی تهیدستان در سنجش با دهه پیش از آن بدتر شده است.

#### ۴- نتیجه گیری

- ۱- در دهه گذشته، نابرابری درآمدی در سطح جهان افزایش یافته است.
- ۲- بیشترین مقدار نابرابری درآمدی، به ترتیب مربوط به آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و اروپا بوده است و کشورهای توسعه یافته کمترین مقدار نابرابری درآمدی را داشته‌اند.
- ۳- بیشترین افزایش در مقدار نابرابری درآمدی

**جدول (۲) - شاخص نابرابری درآمدها در میان تهیدستان در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷**

دوره مورد بررسی	۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۷
مقدار شاخص	۰/۱۵۴	۰/۱۵۳	۰/۱۴۹	۰/۱۴۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

**جدول (۳) - شاخص نابرابری درآمدها در میان تهیدستان در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷**

دوره مورد بررسی	۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۷
مقدار شاخص	۰/۱۷۵	۰/۱۸۲	۰/۱۹۳	۰/۲۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

**جدول (۴) - شاخص نابرابری درآمدها در میان تهیدستان در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷**

دوره مورد بررسی	۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۷
مقدار شاخص	۰/۱۵۶	۰/۱۶۲	۰/۱۸	۰/۱۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

**جدول (۵) - شاخص نابرابری درآمدها در میان تهیدستان در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷**

دوره مورد بررسی	۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۷
مقدار شاخص	۰/۲۰۲	۰/۲۰۵	۰/۲۰۸	۰/۲۱۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

**جدول (۶) - شاخص نابرابری درآمدها در میان تهیدستان در سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۷**

دوره مورد بررسی	۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۰-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۷
مقدار شاخص	۰/۱۷	۰/۱۱۸	۰/۱۹	۰/۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش



## منابع

1. Atkinson, A.B. (1970). "On the measurement of inequality", *Journal of Economic Theory* 2, 244-263.
2. Atkinson, Anthony B. (1997) "Measurement of Trends in Poverty and the Income Distribution", *Micro Simulation Unit Working Paper MU 9701*, Department of Applied Economics, Cambridge.
3. Caroline, Thomas, (2000). *Global Governance, Development and Human Security*, Pluto Press, London, Sterling, Virginia, p. 51.
4. Cutler, D. and L. Katz, (1991b), "Rising Inequality? Change in the Distribution of Income and Consumption in the 1980, s.", *American Economic Reviews* 82, 546- 551.
5. Cowell, Frank A. (2003), *Inequality and the Structure of Income Distribution*, Discussion Paper, Distributional Analysis Research Program No. DARP 67 The Toyota Centre.
6. Heshmati, Almas, (2006). "The World Distribution of Income and Income Inequality" *A Review of the Economics Literature*
7. Pundaric, Mukhopadhaya, (2004). World Income Inequality data base (WIID). Review Economics Department, Macquarie University, Sydney, Aust. *Journal of Economic Inequality* 2: 229-234, 2004.
8. Sen, A.K., (1997), *On Economic Inequality*- (Second eds), extended Edition with J. Foster, Oxford: Clarendon Press.
9. Tetsuji, Okazaki, (2007)., *Income Inequality and Social Stability In Prewar Japan, Economic Development: A Prefecture- Level Analysis*, University of Tokyo  
<http://www.e.u-tokyo.ac.jp/cirje/research/03-research02dp.html>
10. Luo, Xubei, and Zhu, Nong, (2008) "Rising Income Inequality in China: A Race to the Top", *Policy Research Working Paper 4700*. The World Bank

مربوط به کشورهای آمریکای لاتین بوده است و دولت‌ها در این بخش از جهان روی هم رفته سیاست‌های مناسبی برای کاستن از نابرابری در آمدی در میان تهیدستان در پیش نگرفته‌اند.

۴- پس از آمریکای لاتین، کشورهای آسیایی بیشترین افزایش در نابرابری در آمدی را داشته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این گروه، نابرابری در آمدی در میان تهیدستان بیشتر شده است.

۵- در دهه گذشته، نابرابری در آمدی در کشورهای اروپایی افزایش یافته و وضع در آمدی نادرها بدتر شده است.

۶- در کشورهای آفریقایی، هر چند مقدار نابرابری اندکی کاهش یافته است، ولی این گروه هنوز از نابرابری در آمدی بالایی رنج می‌برند. سیاست‌ها و راهبردهای به کار گرفته شده در آفریقا در راستای کاهش فقر در آمدی، بر سر هم نتوانسته است کار ساز افتد و از همین رو فقر در آمدی در سنجش با دهه پیش از این افزایش یافته است.

۷- در دهه گذشته، نابرابری در آمدی در کشورهای توسعه یافته اندکی کاهش یافته، ولی در کشورهایی مانند آلمان، کانادا، نروژ و بویژه آمریکا و بریتانیا بیشتر شده است؛ به همین سبب، کاهش نابرابری در آمدی در این گروه چندان به چشم نمی‌آید. بر پایه بررسی‌ها، از فقر در آمدی در این گروه از کشورها کاسته شده است. ۸- نابرابری در آمدی در کشورهای تهیدست، بیش از نابرابری در آمدی در کشورهای ثروتمند است.

۹- پیوندی معنی دار میان تغییرات فقر در آمدی و نابرابری در آمدی وجود دارد. به سخن دیگر، افزایش فقر در آمدی به افزایش نابرابری در آمدی می‌انجامد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از راه‌های بهبود توزیع درآمد، کاستن از فقر در آمدی است.